

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان

بررسی کیفی تاثیر استقلال طلبی افراطی زنان بر مفهوم خانواده در غرب و از منظر اسلام

گردآورندگان

مهشید افراسیابی

الهه قاسمیان

زهرا فلاحی همت آباد

استاد راهنما: خانم زهره کرمان

مهرماه 1402

مقدمه

در جوامع غربی از دیرزمان باورهای اجتماعی تبعیض آلودی درباره زنان بوده که نشان‌دهنده ارزش و منزلت پایین زن نسبت به مردان است. بخشی از این باورها از اندیشه تحریف شده یهودیت و مسیحیت برمی‌خیزد. در تورات وجود زنان تلخ‌تر از مرگ پنداشته شده است و در دعای روزانه یهودیان است که سپاس خدای را که مرا مرد آفرید یا در تعلیمات اصحاب معبد و کلیسا، زن خادم مرد و مرد ارباب اوست و گاه زن را به اقتضای سرشت خود در موقعیت بردگی قرار می‌دادند¹ در فلسفه یونان و الهیات یهودی - مسیحی، زن همچون همدمی ناقص برای مرد تنها برای مرد و تنها برای رفع نیاز مردان تعریف شده است. مردان با عقلانیت، تمدن و امور بزرگ مرتبط می‌شوند؛ اما زنان با امور غیرعقلانی، شهوت و طبیعت ربط می‌یابند. نمونه‌هایی از نگرش اجتماعی به موقعیت زنان را می‌توان در آراء فیلسوفان عصر جدید در غرب مشاهده کرد. شوپنهاور زن را حیوانی می‌داند با گیسوانی بلند و افکار کوتاه. از نظر نیچه زن موجودی است که برای خدمت کاری آفریده شده است و فقط در حالت فرودستی به کمال می‌رسد.

محرومیت‌های اجتماعی زنان، فقدان شخصیت حقوقی، نابرابری شغلی و نداشتن حق رأی، مهم‌ترین چالش‌های زن غربی بود که نخستین موج فمینیسم را به هدف برابری با مردان و بهره‌مندی از حقوق و مزایای یکسان به وجود آورد. این مرحله به شکل افراطی در برخی آثار مدافعان جنبش زنان تا مردستیزی و گاه خانواده ستیزی هم پیش می‌رفت و این نشان می‌دهد که فمینیست‌ها در اهداف تساوی خواهانه خود حاضر بودند به همان ستیز جنسیتی دچار شوند که مردان مبتلا بودند و بدین ترتیب، بنیادی‌ترین هسته اجتماعی؛ یعنی خانواده را نادیده بگیرند.

در این زمینه بهتر است ابتدا تاریخچه فمینیسم مورد مطالعه قرار گیرد.

تاریخ فمینیسم از زمان آگاهی بشر آغاز می‌شود؛ یعنی هر جا که زنان تحت ظلم و ستم بوده‌اند، افرادی نیز بوده‌اند که آن را مورد اعتراض قرار داده‌اند که غالباً خود زن‌ها بوده‌اند. پس به یک معنا همیشه نوعی چشم‌انداز فمینیستی وجود داشته است.

مهم‌ترین روایت فمینیستی در جامعه معاصر و غرب، جنبش آزادی زنان است که به دنبال مبارزات طولانی مدت زنان از قرن‌ها قبل و بالاخص در اعتراض به مردسالاری حاکم بر اعلامیه حقوق بشر فرانسه در سال 1789 شکل گرفت؛ زیرا این اعلامیه حقی برای زنان در نظر نگرفته بود. از آن پس دانشمندانی چون آگوست کنت در سال 1869 و جان استوارت میل در سال 1869 نظریه برابری زن و مرد را در چارچوب حقوق فردی و اومانیستی مطرح کردند.

انتشار کتاب ماری ولستون کرافت با عنوان: *اثبات حقوق زنان* به عنوان نخستین بیان سیستماتیک فمینیستی و سنگ بنای فمینیسم مدرن پذیرفته شده و در زمره مهم‌ترین حوادث تاریخ اندیشه فمینیست به شمار می‌رود.

فمینیسم در قرن نوزدهم و بیستم، آشکارا وجهه سیاسی – اجتماعی پیدا کرد و احتمالاً مهم‌ترین اثر فمینیستی قرن نوزدهم، رساله جان استوارت میل به نام «انقیاد زنان» است که در سال 1865 منتشر شد. میل در این رساله، انقیاد هر یک از دو جنس را نسبت به دیگری رد کرده، از اصل برابری کامل دفاع می‌کند.

در سال 1949 اجلاس سازمان آموزشی – علمی – فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) در خصوص موقعیت زنان برای تأمین حقوق برابر سیاسی و فرصت‌های آموزشی برای زنان در دنیا تأسیس شد و در سال 1960 به خصوص در آمریکا فمینیسم تولدی دوباره داشت و سازمان ملی زنان NOW در سال 1966

تشکیل شد و فعالیت این گروه‌ها و سازمان‌ها تا امروز همچنان ادامه دارد. در واقع، فمینیست‌ها افرادی هستند که تحت ستم بودن زنان، مناسبات نابرابر مرد و زن در خانه، اشتغال و... را که به دلیل جنسیتشان به وجود آمده، مورد توجه قرار می‌دهند و خواستار تغییر مناسبات نابرابر میان زنان و مردان هستند

بدین ترتیب، محور تفکر و رفتار فمینیسم، جنسیت است و وجه اصلی تمامی تفاسیر و گونه‌های آن، این باور است که زنان به دلیل جنسیتشان گرفتار تبعیض هستند و هدفشان محو هر گونه نابرابری بر پایه تفاوت‌های جسمی و فیزیکی است.

موضوع‌هایی که از اواخر دهه 1960 از سوی فمینیست‌ها مطرح شد، مانند: سقط جنین، رپ، ناهمجنس خواهی اجباری، هرزه‌نگاری، فن‌آوری تولیدمثل که در اصطلاح به آن مادر میانجی می‌گویند و پیشنهادهای سوسیالیسم جنسی و خانواده گسترده به جای خانواده هسته‌ای و ... جایی برای تعهدات اخلاقی باقی نگذاشته است.

مرحله اول از سه مرحله تکامل جنبش فمینیسم از سال 1850 تا 1920 است که به آن موج اول یا دستیابی به حق رأی اطلاق می‌شود و آغاز آن را به کتاب اثبات حقوق زن ماری ولستون کرافت نسبت می‌دهند. جنبش فمینیستی در آمریکا در سال 1920 موفق به کسب حق رأی برای زنان شد و این حق بود که مبنای تحرک سیاسی زنان موج اول را شکل داد. از نویسندگان موج اول ماری استل، نویسنده انگلیسی بود که زنان را وامی‌داشت از ازدواج پرهیزند و از زندگی عاری از وابستگی به مردان لذت ببرند و جان استوارت میل که با کتاب *نقدیاد زنان برابری حقوق زن و مرد* را مطرح کرد. پیامدهای مهم موج اول:

- 1- حق رأی زنان؛ 2- شناساندن خویش زن به خودش و 3- ارتقای آگاهی و وحدت زنان بود.

موج دوم فمینیسم به دنبال تغییرات اجتماعی و آموزشی سال‌های 1950-1960 ایجاد شد. در این دوره که گنز آن را انقلاب برابری نامیده است، اعتراض‌ها علاوه بر عدم تساوی زنان در قلمرو حقوق سیاسی، عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی را نیز دربرگرفت. مهم‌ترین اثر فمینیستی در این دوران، کتاب جنس دوم اثر سیمون دوبوار در سال 1949 بود. در این دوران، آموزش و پرورش زنان در سراسر اروپا و آمریکا؛ به ویژه از دهه 1940 به طور گسترده‌ای رشد یافت. زنان به طور شایسته‌ای مشاغل متعددی را که در گذشته در انحصار مردان بود، به دست آوردند. اقداماتی همچون: پرداخت دستمزد تقریباً مساوی به زنان و حقوق مدنی برابر، گستردگی امکانات، کنترل زاد و ولد و.... که به آزادی انتخاب زنان در عرصه‌های عمومی و خصوصی زندگی افزود. فمینیست‌های این دوره خواهان برابری کامل زن و مرد در تمامی زمینه‌ها، از جمله: آموزش، سیاست و نظایر آن بودند و مدعی بودند که هدف زنان نباید این باشد که مثل مردان شوند، بلکه آنان باید با ایجاد حقوق و اسطوره‌شناسی نوین، زنان را هدف قرار دهند. در دهه هفتاد فمینیست‌ها با ردّ کلیت ازدواج و تأکید بر تجرد و حرفه اقتصادی، شاغل بودن زن در خارج خانه را از جمله مهم‌ترین آرمان‌های خود مطرح کردند. شعار «زنان بدون مردان، با رفتارهای مردانه» مربوط به همین دوره است.

بدین ترتیب، موج دوم که از دهه 60 آغاز شده بود تا اوایل دهه 80 ادامه یافت و در این سال‌ها از مسیر خود به انحراف کشانده شد و از جمله عوارض آن کاهش ازدواج و زاد و ولد و افزایش آمار طلاق و تضعیف نظام خانواده بود.

از اوایل دهه 90 جهان غرب به نقش‌های سنتی و نهاد خانواده رویکردی دوباره داشته است و سازمان ملل متحد سال 1994 را سال خانواده اعلام کرد.

اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در این مقاله سعی شده به بررسی میزان نفوذ این تفکر و تأثیر آن بر زنان در جامعه و مقایسه آن با نفوذ اسلام بپردازیم.

جامعه ایرانی با بن‌مایه‌های تفکر اسلامی تا چه اندازه از این جریان تأثیر گرفته است و تا چه اندازه آن را در زندگی اجرایی کرده است. برای این کار، سؤال‌هایی طراحی شد (مصاحبه ساختار یافته) و پس از انجام مصاحبه با افراد مختلف، مفاهیم صحبت‌های آنها به صورت کدهای اولیه استخراج و پس از جمع‌بندی مفاهیم در قالب کدهای متمرکز در جداول بیان شد. به برخی از مفاهیم استخراج شده در زیر اشاره می‌شود.:

مظلومیت زن مضمونی است که فمینیسم رادیکال سعی در القای آن دارد؛ یعنی زن را به صرف زن بودن و انجام وظایف مادری و همسری، مظلوم و مورد ستم می‌داند و با ترویج این اندیشه سعی بر حذف این نقش اساسی دارد. البته، در جامعه ایرانی به علت ریشه‌دار بودن اندیشه‌های مردسالاری، این تفکر مورد توجه قرار گرفته و سعی در تلفیق این دو مطلب شده است؛ ولی چیزی که در اسلام وجود دارد، چیزی غیر از این است و تفکر اسلامی سعی در برقراری برابری بین این دو جنس دارد.

اگر چه فمینیسم در غرب به دلایل مورد قبول و پذیرش آن جوامع متولد گردید، اما همانند سایر امواج فرهنگی ساطع شده از غرب، مرزهای فیزیکی و جغرافیایی سایر جوامع، از جمله جامعه ایران را درنوردیده، آن را نیز مورد تأثیر قرار داده است. هسته نظریه‌های فمینیستی ناظر بر آن است که تاکنون جهان را مردان تعریف کرده و زنان در این تعریف مردانه نادیده انگاشته شده‌اند. از این رو، مبانی اصلی تمامی نظریه‌های فمینیستی مبتنی بر تساوی زن و مرد در همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... است. آنچه مسلم است، ایدئولوژی‌ها، نمادپردازی‌ها و ترتیبات ساختاری- اجتماعی مشخص مرتبط با زنان، از فرهنگی با فرهنگ دیگر به شدت متمایز است

امروزه در غرب بر اثر تأکید جنبش فمینیسم بر آزادی جنسی و حذف نقش مادری، مشکلات عدیده‌ای، از جمله خانواده تک‌والد، خانواده چندوالد، رواج همجنس‌بازی، سقط جنین، کودکان نامشروع، بارداری در سنین کودکی، تجاوز به محارم، تجاوز به کودکان و... از مشکلات اساسی جامعه غربی شده است. بی‌کسی و تنهایی زن و مرد در غرب بیداد می‌کند و این باعث شده تا برای رفع این تنهایی به حیوانات پناه برده، آنها را همدم و مونس خود قرار دهند و حتی در بسیاری از موارد آنها را بر فرزندان خود ترجیح دهند.

به طور خلاصه، می‌توان گفت که در غرب تحت تأثیر جنبش فمینیسم، خانواده سه وظیفه حیاتی خود را از دست داده: 1- ارضای نیازهای جنسی در چارچوبی مشخص؛ 2- خانواده به عنوان مرکز تولید نسل و تعلیم و تربیت؛ 3- خانواده به عنوان پشتوانه اقتصادی این در حالی است که اسلام در 1400 سال پیش زن و مرد را کامل کننده یکدیگر می‌داند و تنها عامل برتری را تقوا اعلام کرده و نشان داده است که زن و مرد در جایگاه انسانی برابر ایستاده‌اند و با توجه به این برابری، برای هر کدام نقشی متناسب با خصوصیاتش تعریف کرده که در آن چارچوب از گزند آفات در امان می‌مانند.

ایران به عنوان یک جامعه اسلامی و مخصوصاً شیعی، می‌کوشد موازین اسلامی را در جامعه اجرا کند؛ ولی در سال‌های اخیر نفوذ تفکرات فمینیستی در برخی حوزه‌ها غیرقابل انکار است.

واقعیت ملموس این است که به علت وجود زمینه‌های تضييع حقوق زنان در جامعه، که گاه به علت عدم تبیین صحیح و اقناع افکار عمومی در مورد احکام دینی و گاهی صرفاً بر اساس نگاهی مردانه و متعصبانه بر جامعه زنان تحمیل گردیده، زمینه‌های پذیرش برخی نظریه‌های فمینیستی برای جامعه زنان ایران مهیا شده است.

بر اساس تحقیقی که بر تعدادی از زنان اصفهان انجام گرفت، خوشبختانه این نتیجه به دست آمد که با وجود تفکر مردسالارانه در فرهنگ ایرانی و نفوذ تفکر فمینیستی در جامعه، همچنان تفکر اسلامی مبنی بر حفظ کانون خانواده، اهمیت نقش مادری و همسری، رشد و تعالی زن در کنار مراقبت از حریم خانواده و سرلوحه زندگی زن ایرانی قرار دارد و هنوز هم زن مهم‌ترین نقش خود را، در خانواده و حفظ و تعالی آن می‌بیند، ولی در زمینه حجاب و پوشش متأسفانه این مطلب بسیار کمرنگ شده و بروز تقیدات مذهبی در این زمینه بسیار کاهش یافته، که آثار آن را در جامعه نیز شاهدیم. از طرف دیگر، بن‌مایه‌های تفکر مردسالارانه که میراث گذشتگان است، زنان را نسبت به آموزه‌های اسلامی بدبین نموده است، زیرا به غلط آن را برخاسته از اسلام می‌دانند و این مطلب لزوم فرهنگ‌سازی مناسب در این زمینه‌ها را بیشتر می‌سازد. نتایج تحقیق، لزوم برنامه‌ریزی صحیح فرهنگی را در زمینه آموزش مبانی اسلامی در زمینه‌های وظایف زن به عنوان همسر و مادر، اشتغال، ریاست مرد و محدوده آن، لزوم حجاب و رعایت آن در جامعه آشکار می‌سازد.

پیشنهادهای و راهکارها

- 1- برنامه‌ریزی صحیح و مناسب برای آشنایی زنان و دختران با موازین ناب اسلامی
- 2- لزوم ساخت برنامه‌های مفید رسانه‌ای و نشان دادن تأثیر فقدان مادر در تربیت فرزندان
- 3- معرفی نمودن جایگاه و شخصیت حقوقی و انسانی زنان در اسلام
- 4- معرفی نمودن میزان اهمیت وجودی زنان در خانواده و تأثیر آنها در استحکام خانواده

- 5- معرفی الگوهای موفق متدین در مقابل الگوهای غربی
- 6- نشان دادن کاستی‌ها و شکست‌های فمینیسم در غرب و ناکامی زن
- 7- ارایه تصویر صحیح زن مسلمان بر اساس آموزه‌های ناب اسلامی
- 8- فرهنگ‌سازی مناسب در زمینه حجاب و بیان دلایل اسلام در این زمینه به شکل غیرمستقیم از طریق رسانه، کتاب، مسابقات و....
- 9- مبارزه با شبهات القایی ماهواره‌ها و رسانه‌های غربی در زمینه ظلم اسلام به زن
- 10- مبارزه با ریشه‌های تفکر مردسالارانه در ایران و تفکیک آن از مبانی اسلام

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌های مبانی، رویه‌ها و شیوه‌ها، (اشتراوس، آنسلم، جولیت کوربین. 1385)
 ترجمه: بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 .، مطالعات راهبردی زنان، ش 12، ص 7-48 «آقاجانی، ن. (1388). «چالش فمینیسم با عدالت جنسیتی
 /نقدیاد زنان، ترجمه: علاءالدین طباطبایی، تهران: انتشارات هرمس. (استوارت میل، ج. 1379)
 قاجاق زنان، بردگی معاصر، تهران: نشر میزان. (اشتری، ب. 1385)
 .مبانی فلسفی فمینیسم، تهران: نشر وزارت علوم. (باقری، خ. 1382)
 .حیا، اصفهان: حدیث راه عشق. (بانکی پورفرد، ا.ح. 1384)

